

محل‌های با روایت‌های مختلف

۱۸ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۵۶

اسم گذر لوطی صالح را حتما شنیده‌اید؛ محلی که در محدوده بازار تهران قرار دارد و از خیابان پانزده خرداد، ورودی نوروز خان، به انتهای بازار مسگرها؛ از شمال به شهرداری منطقه ۱۲، ناحیه سه بازار، از غرب به بازار عباس‌آباد، از شرق به بازار حضرتی و خیابان شهید مصطفی خمینی و از جنوب به خیابان مولوی منتهی می‌شود.

این محل همچنان بافت قدیمی خود را حفظ کرده است. درباره خود لوطی صالح روایت‌های متعددی وجود دارد که نمی‌توان با قاطعیت در خصوص هر کدام از آنها نظر داد. به گفته برخی، وی یکی از همراهان آغامحمدخان قاجار، سرسلسله قاجار بود.

احمد میرزا پسر فتحعلی شاه کتابی دارد به نام «تاریخ عضدی» که به زندگی خصوصی آغامحمدخان و فتحعلی شاه می‌پردازد. ظاهراً اولین روایتی که در مورد لوطی صالح وجود دارد برگرفته از این کتاب است.

بنا به روایت تاریخ عضدی، لوطی صالح در زمان کریمخان زند در شیراز سکونت داشت و جزو عمله طرب او محسوب می‌شد. بعد از سقوط زندیه، وی به تهران آمد و در محله بازار ساکن شد و لودگی را در دربار شاه قاجار ادامه می‌داد. به واسطه شهرتی که در مطربی داشت و رفت و آمد به دربار زندیه و قاجاریه مکنتی یافت.

شبی در مجلس بزم و طرب جعفر قلی خان برادر آغا محمدخان، شاه قاجار را مسخره کرد و جاسوسان خبر آن را به گوش آغامحمدخان رساندند و او هم دستور داد برادرش را خفه کنند. آغامحمدخان بعد از قتل برادرش، لوطی صالح را در خلوت خواست و ضمن شکایت از مسخرگی و لودگی‌های وی از میزان ثروت و مکنت او پرسید و از صالح خواست تا مبلغی را به شاه قاجار تقدیم کند تا جانش در امان بماند. صالح هم با بیان این که مبلغ را می‌پردازد، اما امیدی به عمل کردن شاه به وعده‌هایش ندارد گفت: «خداوند در وجود شاه گذشت خلقت نفرموده پس از گرفتن مبلغ ۸۰۰۰ تومان از او روز دیگر شاه او را خواست و گفت باید در حق تو رفتاری شود که دیگر روی رفتن به مجالس را نداشته باشی. حکم شد تا بینی او را بریدند.

بعد از بریدن بینی، لوطی صالح باز هم جسارت خود را از دست نداد و گفت دیدی خداوند تعالی در وجود تو گذشت نیافریده. آغامحمدخان دستور داد آنچه از او گرفته شده بود رد کردند و به او گفت برو و به عتبات مجاور باش، زیرا می‌ترسم باز از طرف من مغضوب واقع شوی و حرف تو راست شود. لوطی صالح بدون آن که دیناری ضرر مالی تحمل کند با همان دماغ بریده و کمال

تردماغی رفت و در مشهد کاظمین تا زمان وفات مجاورت داشت.»

این روایت البته چیزی در مورد محل زندگی لوطی صالح و اطلاق نامی از او بر محل زندگیش ندارد. اما می‌دانیم که گذر لوطی صالح از مناطق قدیمی تهران است که به احتمال زیاد در زمان اولین شاه قاجار ساخته شده و از همان زمان جزو محلات پر رفت و آمد محسوب می‌شد و سفارتخانه‌های روس و انگلیس و منزل بسیاری از اعیان قاجار در این محل قرار داشت.

اهالی این گذر و محل ۲۰۰ ساله روایت دیگری در مورد لوطی صالح دارند. قدیمی‌ها معتقدند لوطی صالح پیشه مطربی داشت، اما دلپاک بود و چشم و دل سیر. یکبار زمان خشکسالی همراه اهالی محل به طرف گورستان چهارده معصوم، دروازه عبدالعظیم می‌رود و در حالی که سرش رو به آسمان بود، آوازی سر داد و طلب باران کرد. مردم دیدند بعد از مدتی کوتاه باران بارید و صورت رهگذران را خیس کرد. از این پس بود که لوطی صالح محبوب شد.

ناصر نجمی، پژوهشگر معاصر، لوطی صالح را پهلوان نامدار و شریف و ناموس دوست می‌داند که از درماندگان حمایت و پشتیبانی می‌کرد.

می‌گویند که محبوبیت او تاحدی بود که از اقصی نقاط ایران گاه به گاه مریدانی برای دیدن او می‌آمده‌اند. از خصلت‌های این لوطی و خوی پهلوانی‌اش آن گونه که می‌گویند سنت «علامت‌کشی» در ایام سوگواری حسین(ع) از ابتکارات اوست.

منبع: جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۸۰۵۳/مختلف-های-روایت-ای-محل-۲۸۰۵۳>